

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۰۸ - ۸۵

واکاوی مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه سید قطب (مطالعه موردی تفسیر فی ظلال القرآن)

^۱ شهلا داراب پور^۲ رضا شعبانی صمغ آبادی^۳ جواد هروی

چکیده

از نظر اسلام عدالت یک اصل بنیادین و مهم‌ترین رکن جامعه تلقی می‌شود، بطوری که فلسفه ارسال رسولان برقراری عدل و قسط در میان مردم دانسته شده است از اینرو همواره موضوع عدالت از دغدغه‌های بشر و مفاهیم محوری و نظریه پردازی صاحب نظران و فلاسفه بسیاری بوده است. سید قطب از جمله اندیشمندان مسلمان در قرن بیستم است که به بررسی ابعاد عدالت اجتماعی در اسلام پرداخته است. هدف اصلی از انجام این پژوهش؛ بررسی چستی مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه سید قطب با تکیه بر کتاب "تفسیر فی ظلال القرآن" است و اینکه وی چگونه از آن مبانی به نظریه عدالت اجتماعی اش دست یافته است. در این مقاله با روش تحلیلی، توصیفی به واکاوی مفهوم عدالت اجتماعی در تفسیر فی ظلال القرآن از نظر سید قطب خواهیم پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی در تفسیر فی ظلال القرآن، یک آرمان دست نیافتنی نیست بلکه این عدالت از طریق ایجاد جامعه‌ی عادلانه و اخلاقی برای تبدیل آموزه‌ی قرآنی به واقعیت جامعه بشری است بر پایه‌ی دستورات قرآن که از یک مفهوم اعتقادی جامع سرچشمه گرفته باشد و عدالت بی ارتباط به زندگی و حیات عینی انسان و جامعه نیست، بلکه معنایی فراتر از حکومت و هستی‌شناسانه دارد و باید که در کنش فردی و اجتماعی تحقق یابد. بر این اساس، سید قطب راه تحقق عدالت اجتماعی را در عدالت در روابط اجتماعی بین افراد، عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی و حکمرانی عادلانه و مسولیت پذیر بودن انسانها می‌داند که در زیر لوای احکام الهی تحقق می‌یابد. موانع آن تبدیل دستورات قرآنی به هوا و هوس، فساد و تمرد از شریعت الهی و توزیع نا عادلانه است. ایشان چشم انداز اصلاحی خود را برای جامعه بر اساس تحقق عدالت اجتماعی می‌داند و دستیابی به مبانی اسلام، اعمال مشروعیت آن و اجرای مبانی و پیاده سازی حکومت اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف قرآن، هدف اصلی وی بوده است.

واژگان کلیدی

سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، عدالت اجتماعی، ریشه‌ها و مبانی.

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: darabpoursh29@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: rezashabani329@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: mr.javadheravi@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۹/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲

طرح مسأله

با توجه به دیدگاه جامعه‌شناختی دین اسلام نسبت به فرد و اجتماع، روشن است که اسلام هم اصالت را به فرد می‌دهد و هم اصالت را به جامعه و ملت (طباطبایی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۱۰۰-۹۷). بنابراین نه تنها در مورد عدالت فردی تأکیدات فراوانی ابراز داشته بلکه در مورد عدالت اجتماعی نیز سکوت نکرده و آن را از ضروریات دین معرفی می‌کند. می‌توان گفت که هدف عدالت اجتماعی تأمین ابعاد مختلف مادی و معنوی نیازمندی‌های انسان در سیر تکاملی او تا رسیدن به آرمان‌های متعالی سیر و سلوک ربانی است (موسوی، ۱۳۸۰: ۲۲۹). آنچه که از نظر اسلام حائز اهمیت است و هدف انزال رسل و میزان است اجرای عدالت اجتماعی به دست خود مردم و ملت است یعنی اسلام می‌خواهد مردم را به درجه‌ای از کمال برساند که خود فرد مسئول اعمال خود و دیگران باشد. قرن بیستم شاهد ظهور کتب مختلف تفسیری بود که دانشمندان اسلامی در تلاش برای احیای جامعه اسلامی در راستای آموزه‌های اسلامی نوشته بودند. آنها معتقد بودند که قرآن تنها راه حل معضل اجتماعی کنونی آنهاست. بدین ترتیب، تفسیر قرآنی آنها به منظور تشریح اصول قرآنی و ترغیب امت اسلامی به کاربرد آنها در زندگی روزمره بود. علمای معاصر تفسیر (جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، طنطاوی و...) رویکردهای مختلفی را برای تحقق عدالت اجتماعی به کار گرفتند. در این بین، سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶) یکی از ایدئولوگ‌های اصلی جهادگران اواسط قرن بیستم به شمار می‌رود که بر مفهوم عدالت اجتماعی بسیار تأکید و تألیفاتی نیز در این زمینه داشته است. وی در متونش با برداشتی اسلامی، دل‌مشغولی و دغدغه اصلی خود را در کنار آزادی، موضوع عدالت اجتماعی می‌دانست. در دوره‌ای که سید قطب به این موضوعات پرداخت، دوران اعتدالگرایی وی بود؛ یعنی دوره فکری که کمتر بدان توجه شده است؛ همین امر سبب شده است تا برداشت سید قطب از این مفهوم به حاشیه رانده شود. به طور کلی و با بررسی آثار سید قطب مشخص می‌شود که عدالت اجتماعی در اندیشه‌ی وی از برجستگی زیادی برخوردار بوده است. در این پژوهش تلاش می‌شود مفهوم عدالت اجتماعی در اثر مهم ایشان یعنی کتاب "تفسیر فی ظلال القرآن" مورد بررسی قرار گیرد؛ از این رو هدف پژوهش حاضر، واکاوی مفهوم عدالت اجتماعی در کتاب "تفسیر فی ظلال القرآن" است. سؤال اصلی پژوهش عبارتند از اینکه؛ عدالت اجتماعی در کتاب "تفسیر فی ظلال القرآن" دارای چه مفهوم و ابعادی است؟

در این پژوهش تلاش بر این است که مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه سید قطب و در اثر ایشان با عنوان "تفسیر فی ظلال القرآن" مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. در این راستا فرضیه پژوهش بیان می‌کند عدالت اجتماعی در تفسیر فی ظلال القرآن، یک آرمان دست نیافتنی نیست

بلکه این عدالت از طریق ایجاد جامعه عادلانه و اخلاقی برای تبدیل آموزه ای قرآنی به واقعیت جامعه بشری است. شایان توجه است که با وجود گستردگی پژوهش‌ها پیرامون سید قطب، پاره‌ای از این آثار صرفاً به اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی او، پاره‌ای دیگر به مبانی و روش و ساختار "تفسیر فی ظلال القرآن"، و برخی نیز افکار سلفی با سایر اندیشه‌های سید را مورد کنکاش قرار داده اند که به طور مختصر از منظر نقد قرآنی به موضوع پرداخته اند، بنابراین هیچ پژوهشی به موضوع و مسأله مورد نظر این تحقیق نپرداخته است. تنها اثر مشابهه مقاله‌ی تحلیل اندیشه های حکومتی و اجتماعی سید قطب در فی ظلال القرآن اثر حمید رضا فریدی (۱۴۰۰) شماره ۴۶ فصلنامه مطالعات قرآنی دوره ۱۲ است که بخشی از اندیشه های حکومتی و اجتماعی سید قطب رو مورد بررسی قرار داده، می‌طلبید پژوهشی به صورت خاص به تفسیر فی ظلال و بررسی آیات با نگاهی جامع به کل آثار سید قطب در بعد عدالت اجتماعی بپردازد و این خلاء همواره در بین پژوهش‌هایی که در ارتباط با سید قطب صورت می‌گرفت مشاهده می‌شد که پژوهش حاضر به این مهم پرداخته و آن معرفی قرآن به عنوان الگویی برای زندگی بشر در مواجهه با چالش‌های عصر مدرن است.

پیشینه پژوهش

درباره «عدالت» آثار ارزشمندی توسط فلاسفه، متکلمین، فقها، علمای علم اخلاق، مفسرین و سایر اندیشمندان با رویکردهای مختلف منتشر شده است. مجید خدوری (۱۹۹۸) در کتاب مفهوم العدل فی الاسلام، مسئله عدل را از منظر رویکردهای مذکور مختلف مورد بررسی قرار داده است. درباره «عدالت اجتماعی» نیز می‌توان به عدالت در اندیشه سیاسی، نوشته کاظمی؛ مبانی عدالت اجتماعی نوشته توسلی؛ نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، جمشیدی؛ بررسی مفهومی عدالت اجتماعی نوشته صالحی و رضایی جایگاه عدالت اجتماعی در اسلام، نوشته گلستانی مبانی عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی در اسلام، نوشته موسوی؛ چشم انداز جامعه شناسی به عدالت، نوشته میرسندهی و کتاب عدالت اجتماعی در اسلام نوشته سید قطب اشاره کرد. نظریه عدالت اجتماعی سید قطب، توسط مرامی در بررسی مقایسه ای مفهوم عدالت از دیدگاه مطهری، شریعتی؛ سید قطب و مرحوم سوزنگر در "سید قطب" در جلد چهاردهم از کتاب اندیشه سیاسی متفکران مسلمان و همچنین مرادی در تقریر گفتمان سید قطب؛ مورد بررسی قرار گرفته است. در دیگر منابع که به طور اختصار به برخی از آنها در ادامه اشاره خواهد شد، اندیشه اجتماعی، زندگانی سید قطب و افکار و اندیشه‌های ایشان مورد مطالعه قرار گرفته است؛

۱- " اندیشه‌های اجتماعی سید قطب با تکیه بر عدالت اجتماعی"، مریم توحید دانشگاه تهران، ۱۳۶۹. در این پژوهش از میان آراء اجتماعی سید قطب به بحث عدالت اجتماعی به عنوان جامع مسائل و محور نظریات اجتماعی سید قطب تکیه شده است. این تحقیق در سه

بخش به بررسی زمینه‌های فکری و اجتماعی اخوان المسلمین، مطالعه زندگی سید قطب به عنوان نظریه پرداز اخوان المسلمین و اندیشه‌های اجتماعی سید قطب شامل مباحث اصالت فرد یا، جمع نهادهای اجتماعی و عدالت اجتماعی در اسلام پرداخته است.

۲- دیدگاه‌ها و ابعاد شخصیت سید قطب» جلال موسوی امین راهنما علی منتظمی، دانشگاه فردوسی مشهد. این پایان نامه به بررسی دیدگاه‌ها و ابعاد شخصیت سید قطب در چهار بخش می پردازد بخش اول درباره زندگینامه سید قطب است؛ بخش دوم درباره اشعار سید قطب و دیدگاه‌های وی در نقد ادبیات و معیارهای آن است؛ بخش سوم با عنوان اندیشه ضد اسلامی در بردارنده معانی عدالت اجتماعی و صلح از دیدگاه سید قطب است؛ بخش چهارم، ابعاد دیگر اخلاقی سید قطب را مورد بحث قرار داده است.

۳- تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب در فی ظلال القرآن»، کرم سیاوشی، راهنما، محمداقصر حجتی دانشگاه تربیت مدرس. این رساله در باب روش تفسیری سید قطب در تفسیر فی ظلال «القرآن» با رویکردی انتقادی به تجزیه و تحلیل ابعاد عقلی و اجتماعی آن می‌پردازد. نویسنده در شش فصل، زندگانی سید قطب و نگارش فی ظلال القرآن قواعد و مبانی تفسیری روش، تفسیری گرایشهای تفسیری سید قطب، واژه‌های الگوپرداز و علوم قرآنی در فی ظلال «القرآن» را بررسی کرده است.

۴- احیاء فکر دینی، مقایسه آراء سید قطب و شهید مطهری»، حسین نوری، راهنما: محمد مشکات دانشگاه اصفهان موضوع این پژوهش تبیین تصحیح فهم دینی و اصلاح چگونگی دینداری است. نویسنده به تحلیل مهمترین مسائل احیاء تفکر دینی از نگاه شهید مطهری و سید قطب پرداخته است. این مسائل عبارت اند از؛ جهان بینی و ایدئولوژی، عدالت، حکومت، آزادی تفکر و عقیده. نویسنده این مسائل را از دیدگاه این دو شخصیت و از جنبه کلامی و بررسی کرده است.

۵- آل موسی (۲۰۲۳) در پژوهش خود به حقوق غیر مسلمانان اشاره کرد و به بررسی افکار سید قطب پرداخت و گزارش داد از نظر سید قطب اسلام برای گسترش امنیت و صلح، تضمین حقوق، پاسداری از آزادی مردم و پاسداری از عقاید آنها آمده است. این حکم نظام الهی است که اسلام آورده است و بر این اساس نظام اخلاقی را برقرار نموده که در آن آزادی برای هر انسانی تضمین شده است، حتی برای کسانی که دین اسلام را قبول ندارند، آزادی اسلام، آزادی همگان است. حتی کسانی که اسلام را قبول ندارند نیز دارای حقوق شهروندی آنها بدون توجه به عقیده محفوظ است، در این آیین هیچ کس مجبور به پذیرش اسلام نیست، هیچ اجباری نیست.

۶- کاویانی^۱ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به چالش‌های اندیشه‌ی سیاسی سید قطب پرداخت و گزارش داد یکی از چالش‌های پیش روی گسترش مردم‌سالاری دینی، اندیشه‌های سلفی سید قطب است که می‌توان با تکیه بر اسلام سیاسی مبتنی بر عقلانیت و اجتهاد و هم‌افزایی با گروه‌های متعادل جهان اسلام بر چالش گسترش این الگوی دینی مدرن فائق آمد.

۷- میراحمدی^۲ (۲۰۲۱) در پژوهش خود به سید قطب، جهادگرایی اسلامی و افراط‌گرایی با روش هرمنوتیکی پرداخت و گزارش داد بر اساس دیدگاه نگارنده، توسعه مفهومی جهاد دفاعی به جهاد تهاجمی مبتنی بر اندیشه تکفیر نیست و نمی‌توان قطب را پدر فکری و معنوی افراط‌گرایی اسلامی دانست.

۸- القرضاوی (۱۹۹۹) در پژوهش خود به اندیشه‌ی سید قطب در زمینه‌ی حقوق غیر مسلمانان پرداخت و گزارش داد از نظر سید قطب، انسان در مقام انسانیت موظف است با همه به عدالت رفتار و در قضاوت امور به عدالت حکم کند، این عدالتی است که بشریت هرگز آن را ندیده است

زمینه نظری و تاریخی

تاریخ تفسیر در عصر نبوی آغاز شد. در عصر نبوی تا رحلت ایشان در این دوره یگانه مرجع تفسیر رسول خدا بود. هرگاه اصحاب در فهم آیه‌ای ابهام داشتند به خود ایشان مراجعه می‌کردند. تفسیر پیامبر از تمام آیه‌ها حجت بود. پس از رحلت رسول خدا نامورترین مفسران، اَبی بن کعب (المتوفی: ۱۹ یا ۲۲ یا ۳۰ هـ) ابن مسعود، عبدالله بن مسعود بن غافل بن حبیب الهمدلی (المتوفی: ۳۲ هـ) علی ابن ابی طالب (المتوفی: ۴۰ هـ) و عبد الله بن عباس (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۲: ۴۲۷)

سیوطی نوشته است:

ده تن از صحابه در تفسیر شهرت یافته‌اند: خلفای چهارگانه، و ابن مسعود، و ابن عباس و اَبی بن کعب، و زید بن ثابت، و ابوموسی اشعری، و عبدالله بن زبیر. أما خلفا: بیشتر از همه آنها از علی بن اَبی طالب (علیه السلام) روایت شده، و روایت از آن سه جداً بسیار کم است، و مثل اینکه علتش زودتر مردن آنهاست، چنانکه همین سبب در کمی روایت ابوبکر - رضی الله عنه - نسبت به حدیث است، من در تفسیر از ابوبکر - رضی الله عنه - جز آثار بسیار اندکی که شاید از ده تجاوز نکنند، بخاطر ندارم، ولی از علی (علیه السلام) روایت بسیاری رسیده است، معمر از وهب بن عبدالله از ابوالطفیل آورده که گفت: دیدم علی (علیه السلام) سخنرانی می‌کند، و می‌گفت: «از من بپرسید، پس بخدا سوگند که از چیزی از من نپرسید مگر اینکه به شما خبر دهم، و از من درباره

1 . kaviani

2 . di

کتاب خدا سوال کنید که بخدا سوگند هیچ آیه‌ای نیست مگر اینکه من می‌دانم در شب نازل شده یا روز، و آیا در دشت فرود آمده یا در کوه». و ابونعیم در حلیه از ابن مسعود آورده که گفت: «همانا قرآن بر هفت حرف نازل شد، و هیچ حرف آن نیست مگر اینکه ظاهر و باطنی دارد، و بدرستی که علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) علم ظاهر و باطن را دارد» (سیوطی، ۱۳۶۳، ۲: ۵۸۹).

عبدالله بن عباس (متوفی ۶۸ ه.ق) می‌گوید: در قرن اول و دوم سعید بن جبیر (شهادت ۹۴ یا ۹۵ ق)؛ عکرمه (متوفی ۱۰۴ یا ۱۰۵ ق)؛ فرآء نحوی (م ۲۰۷ ق)؛ عمر و بن عبید؛ ابن جریح (م ۱۵۰ ق)؛ شعبه بن حجاج (م ۱۶۰ ق)؛ وکیع بن جراح (م ۱۹۷ ق)؛ سفیان عیینه (م ۱۹۸ ق)؛ (عبد بن حمید ۲۴۹ ق) (به تفسیر آیات پرداختند (ابن عباس، ۱۴۲۵: ۸۳). این بزرگان نه مفسر همه کتاب خدا بودند و نه نوشته‌ای در تفسیر داشتند. در این زمان دانش تفسیر این مفسران شفاهی بود و محل مراجعه مسلمانانی که از مراد و دلالت و شأن نزول آگاهی نداشتند. با توجه به روایت باز مانده از اصحاب، می‌توان گفت که آنان حتی اصحاب رسول خدا که با ایشان محشور بودند دریافت یگانه‌ای از دلالت آیات و شأن نزول آن‌ها نداشتند. به همین سبب پس از رحلت رسول خدا در تفسیر کتاب خدا به خصوص در متشابهات اختلاف ایجاد شد.

عمده دلیل آن اختلاف میزان قرب و بعد هر یک از اصحاب و اندازه ارتباط ایشان با رسول خدا و سابقه مسلمانی آنان در مکه و مدینه و در هر کدام از این دو مرحله، زمان اسلام آوردن مهاجرین و انصار بود. در عصر تابعین این اختلاف فروتر شد زیرا تفسیر تحت تأثیر عناصر متعددی چون عامل زمان، تنوع زبان، لغات و لهجه و دخالت فهم و درک متفاوت ناشی از نگرش‌های نحله‌ای و فرهنگی را به همراه داشت.

از همان عصر نبوی و راشدین که زمینه‌های تفسیر پدید آمد، اغلب مفسران به ضرورت دقت و صحت تفسیر با توجه به شالوده‌های شأن نزول تأکید کردند. شناخت زبان عربی و اسرار آن، به فهم آیاتی که فهمشان به زبانی غیر عربی منوط نیست، کمک می‌کند. شناخت عادات عرب به فهم بسیاری از آیاتی که به عادات و رسوم عرب مرتبط است، کمک می‌کند. به عنوان مثال این سخنان خداوند بلند مرتبه: {إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ} .. و {وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا}. تنها کسانی فهم مراد و مقصود آیات برایشان حاصل می‌شود که عادات و رسوم عرب را در عصر جاهلی به هنگام نزول قرآن می‌دانند (ذهبی، ۱۳۷۷، ۱: ۱۶).

شماری از نمایندگان متقدم این روش عبارتند از:

◀ أبو الحجاج مجاهد بن جبر التابعی المکی القرشی المخزومی (المتوفی: ۱۰۴ هـ) تفسیر

مجاهد؛

◀ أبو الحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر الأزدی البلخی (المتوفی: ۱۵۰ هـ) تفسیر مقاتل

بن سلیمان

◀ أبو عبد الله سفيان بن سعيد بن مسروق الثوري الكوفي (المتوفى: ۱۶۱هـ) تفسير سفيان الثوري

◀ يحيى بن سلام متوفى المتوفى: ۲۰۰هـ تفسير يحيى بن سلام
 ◀ الشافعي أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى: ۲۰۴هـ) تفسير الإمام الشافعي
 ◀ أبو زكريا يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور الديلمي الفراء (المتوفى: ۲۰۷هـ)، معاني

القران للفراء

◀ أبو عبيدة معمر بن المثنى التيمي البصري (المتوفى: ۲۰۹هـ)، مجاز القرآن
 ◀ أبو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعاني (المتوفى: ۲۱۱هـ)
 تفسير عبد الرزاق

◀ أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (المتوفى: ۲۷۶هـ)، غريب القرآن
 ◀ تفسير علي بن ابراهيم قمى، (المتوفى: ۳۰۷هـ) مشهور به تفسير قمى

واحدى نوشته است:

«اما امروزه کسی که مایل به علوم قرآنی باشد بر سر راه خود تفسیرهای دروغینی می‌یابد که به نیروی سرزنش قابل جبران نیست. پس بر ماست که شأن نزول آیات را برای مبتدیان علوم قرآنی توضیح دهیم، زیرا شایسته‌ترین و بایسته‌ترین چیزی که باید دانست و توجه داشت همین است، و بدون فهمیدن داستان و سبب نزول آیات، نمی‌توان در راه تفسیر آنها گام برداشت.» ربّ یسرّ و لا تعسرّ چنین گوید شیخ امام ابو الحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری، که رحمت خدا بر او باد، حمد خدای را که بزرگ و صاحب کرم است و بخشنده و شکننده گروه‌ها و پدید آورنده ابرها و فرستنده بادها، خدایی که قرآن را به مناسبت حوادث گوناگون نازل فرمود و بخش بخش و جدا جدا فرو فرستاد و حکم‌ها و علم‌ها در آن نهاد چنانکه فرماید: **وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنُزِّلْنَاهُ تَنْزِيلًا**..... اما امروزه کسی که مایل به علوم قرآنی باشد بر سر راه خود تفسیرهای دروغینی می‌یابد که به نیروی سرزنش قابل جبران نیست. پس بر ماست که شأن نزول آیات را برای مبتدیان علوم قرآنی توضیح دهیم، زیرا شایسته‌ترین و بایسته‌ترین چیزی که باید دانست و توجه داشت همین است، و بدون فهمیدن داستان و سبب نزول آیات، نمی‌توان در راه تفسیر آنها گام برداشت. اظهار نظر در شأن نزول آیات بدون روایت و شنیدن از کسانی که خود شاهد نزول آیات و واقف بر علل آن بوده و کمال کوشش و کاوش در دانستن به کار برده‌اند، روا نیست. و شرع نادان خطا کار مدعی تفسیر قرآن را وعده دوزخ داده است. ابو ابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ با اسناد از عبد الله بن عباس روایت کرد که رسول خدا فرمود: «از نقل حدیث و سخنی که نمی‌دانید بپرهیزید، که هر کس عمدا بر من دروغ ببندد

جایگاه خویش در دوزخ آماده سازد و هر کس از روی نادانی بر قرآن دروغ ببندد جایگاه خویش در دوزخ آماده سازد». و پیشینیان، که خدایشان پیامرزد، از اظهار عقیده در شأن نزول‌ها سخت احتراز داشتند. ابو نصر احمد بن عبد الله مخلصی با اسناد از ابن سیرین روایت می‌کند که چون از عبیده در مورد آیه‌ای پرسید، پاسخ شنید: از خدا بترس و سخن استوار و مستند بگو. آنان که اسباب نزول می‌دانستند در گذشته‌اند. اما امروز هر کس چیزی اختراع می‌کند و تهمت و دروغی بر می‌سازد، عنان به دست جهالت باز داده، از سوء عاقبت کسی که به نادانی سبب نزول برای آیه‌ای بگوید نمی‌اندیشد. و همین امر مرا به املائی این کتاب که جامع اسباب نزول‌هاست واداشت، تا به دست طالبان و کسانی که در اسباب نزول سخن می‌گویند برسد، تا حقیقت را دریابند و از مجعولات و دروغ بی‌نیاز شوند، و پس از پرسیدن و شنیدن و آموختن در نگهداشت و از بر کردن آن بکوشند. «(واحدی، ۱۳۸۳، ۱۲-۱۳)

اغلب مفسران عهد اول تا امروز در کنار روش‌های خاص خود از ریشه یابی لغات، روایت و گزارش‌های تاریخی و بیان شأن نزول آیات و تعیین مکی و مدنی بودن سخن گفته‌اند. گذشته از این اشتراک، یکی از تفاوت‌های عمده مفسران و تفاسیر ایشان رویکردها یا روش تفسیری خاص آنان است.

عدالت از دیدگاه اسلام (قرآن، احادیث و روایات)

عدالت اجتماعی در اسلام امری واقعی و عینی در عرصه‌های مختلف است و جلوه بارز این موضوع عینی، تجلی آن در عدالت اقتصادی است. در واقع نظام اسلامی باید به دنبال تبلور حاکمیت عدالت و قوانین تأمین کننده عدالت در بخش اقتصادی باشد که خود بخشی از عدالت اجتماعی و ضرورت آن است. عدالت اقتصادی یعنی «برابری فرصت‌ها، عدالت در توزیع ثروت، توزیع عادلانه ثروت». در نظام اقتصادی اسلام، عدالت مفهوم ویژه خود را دارد، و دربرگیرنده عدالت در شیوه توزیع مواد اولیه و توزیع ثروتهای تولید شده می‌شود. آنچه در سلامت بخشی نظام اقتصادی جامعه نقش بنیادی دارد، مسأله توزیع عادلانه منابع طبیعی و ثروتهای اولیه است. اگر این منابع در انحصار افراد یا گروههای خاصی قرار گیرد، اختلاف طبقاتی پدید می‌آید و راه را برای طبقات مرفه هموار می‌کند. لذا به اعتقاد شهید سیدمحمدباقر صدر «برخلاف اقتصاد سیاسی کلاسیک که در آن بحث تولید مقام اول را حائز است، در اسلام بحث توزیع، سرآغاز مطالعات اقتصادی بوده و مباحث تولید در مرحله بعدی قرار دارد» (صدر، ۱۳۹۷، ۲: ۳۵). بحث عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام جدا از هدف غایی دین که ارتقای معنوی انسان در عرصه علم و عمل است نیست.

اما عدالت اجتماعی در بخش اقتصادی را نمی‌توان جدا از سایر بخش‌های دین ارزیابی کرد.

به هر حال عدالت اجتماعی در بخش اقتصاد، جدای از دیگر بخش‌های دین نمی‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. هدف اجتماعی از بعثت پیامبران به فرموده خداوند تحقق عدالت است: «لیقوم الناس بالقسط» (حدید/۲۵) این آیه شریفه عدالت اجتماعی را در تمامی زمینه‌ها از جمله اقتصاد، به عنوان هدف برای برنامه‌ها و دستورات پیامبران مطرح می‌کند. و در آیه دیگر آمده:

«ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی» (نحل/۹۰) در مضمون آیه ای که وظایف انسان در قبال جامعه خود را بیان می‌کند، منظور از عدالت، عدالت اجتماعی است و انسان‌ها از جانب خداوند موظف به برقراری عدالت اجتماعی به طور کلی و در همه زمینه‌ها هستند و یکی از این موارد، عدالت اقتصادی است ... در حدیثی از پیامبر اکرم آمده است: «جماع التقوی فی قوله تعالی: ان الله یأمر بالعدل و الاحسان» (نیشابوری، ۱۴۲۳، ۲: ۴۳۷) و از صحابی معروف ابن مسعود نقل شده که این آیه از جامع‌ترین آیات خیر و شر در قرآن به حساب می‌آید. (حویزی، ۱۳۸۳، ۳: ۷۸). آیات دیگری مانند: و «أمرت لأعدل بینکم» (شوری/۱۵)، «قُلْ امر ربی بالقسط» (اعراف/۲۹) و «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله» (نساء/۱۳۵) بر عدالت به شکل کلی و در تمام زمینه‌ها، از جمله در زمینه اقتصاد دلالت دارند و برقراری قسط و عدالت اقتصادی از اهداف اسلام است. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ۵۷). عدالت اقتصادی اسلامی یک امر اقتصادی در جامعه اسلامی است و همه افراد جامعه حتی اهل ذمه را شامل می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

«لاینبهیکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» (ممتحنه/۸) [اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنجیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

سید قطب نیز در کتاب عدالت اجتماعی در اسلام در تشریح روایتی که مربوط به صفت خلیفه دوم می‌باشد می‌نویسد: «وقد تری الصحابة الکرام علی ذلک؛ فهاهو امیر المؤمنین عمر ابن الخطاب رضی الله عنه الذی سماه الرسول صلی الله علیه و سلم بالفاروق؛ لأنه کان یفرق بین الحق و الباطل، و کان العدل من أهم سماته منذ أن دخل فی الإسلام، یخطب فی الناس عندما تولى الخلفاء قائلًا: (إن رأیتم فی اعوجاجاً فقومونی. فینتدب له رجل من عامه المسلمین ویقول: لو وجدنا فیک اعوجاجاً لقومناک بحد سیوفنا، فما یزید عمر علی أن یقول: الحمد لله الذی جعل فی رعیة عمر من یقومه بحد سیفه» (سید قطب، ۲۰۰۷: ۱۴۰). سید قطب در این جملات خلیفه دوم مسلمانان را می‌ستاید و دلیل صفت او (فاروق) را توانایی تشخیص حق و باطل و اولویت عدالت می‌داند. عدل بنیادی است که قوام جهان بر آن استوار شده است در تعبیر زیبا و پرمعنا

دیگری ایشان فرمودند: «ما عَمَّرَتِ الْبُلْدَانَ بِمِثْلِ الْعَدْلِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵: ۹۵۴۳): شهرها و کشورها آباد نمی‌شوند مگر به عدالت.

همان گونه که در احادیث بالا مشاهده شد، در اندیشه‌ی اسلامی پایه جهان هستی بر عدالت نهاده شده، عدالت به مفهوم جامع خود به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جای خود است. اجرام طبیعی مانند زمین و آسمان و کرات منظومه شمسی و منظومه‌ها و کهکشانها در کائنات همه بر طبق قوانین حساب شده‌ای در مسیر خود حرکت دارند. الکترون‌ها و پروتون‌ها و اجزای اتم و مدارات، همه حساب شده حرکت می‌کنند و هر کدام در جای خویش قرار دارند در ساختمان وجود انسان اگر اعتدال در هریک از دستگاه‌ها و نظامات حاکم بر آن، به هم بخورد بیماری یا مرگ را به دنبال دارد. همین معنا در جهان نبات و حیوان و سایر موجودات زمینی و آسمانی حاکم می‌باشد. این است مفهوم حدیث معروف نبوی که می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ۴: ۱۰۳)؛ آسمانها و زمین با عدالت برپا شده است.

بنابراین در نظام اسلامی مبحث عدالت یک بحث بنیادین است و اگر به عمق مطلب توجه شود، عدالت فلسفه ارسال رُسل و انزال کتب است. در آیه شریفه ۲۵ از سوره حدید خداوند فرموده‌اند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» بر این مبنا، فلسفه ارسال رسل، کتاب و میزان برای این است که انسان‌ها در جامعه خود اقامه عدل نمایند. بنابراین، در نظام اسلامی عدالت بر پایه قسط محور است. هدف غائی و اصلی حکومت عدالت است. به عبارت دیگر، حکومت اصالتاً چیزی نیست که هدف باشد و ذاتاً محبوبیت و مطلوبیتی ندارد، بلکه حکمت و فلسفه آن اقامه قسط و عدل می‌باشد.

سیاست و آثار آن در تغییر رویکرد تفسیر از اصول به فروع

بحث عدالت مسأله محوری این مقاله است که به زودی در گفتگو از تفسیر فی ظلال از آن سخن خواهیم گفت. اما پیش از آن نیم‌نگاهی به سیاست و آثار آن در تغییر رویکرد تفسیر از اصول به فروع انجام می‌شود.

نقش منافع سیاسی بود که جعل حدیث را به میدان آورد و دوره‌ای را بنا گذارد که اشرافیت عربی در لفافه اسلام تجدید حیات یافته و علیه مخالفان به خصوص آل الرسول بعد از قتل عام و هتک حرمت ایشان، با دادن صلّه و بذل درهم و دینار به امثال ابوهریره شیخ المضیره شمار زیادی از اسرائیلیات ساخته شد (ابوریه، ۱۳۸۹: ۲۰۱) و مفاهیم اصلی کتاب خدا به حاشیه رفت و امور فرعی به جای شالوده‌های قرآنی نشست. از جمله آیات زیر:

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ / الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ / يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ / كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ.....

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ / الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ / وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ

يُخْسِرُونَ / أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ / لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.....

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ
(قصص: ۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوِّ مِيقَانَ الْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ
وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ
تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (النساء: ۱۳۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوِّ مِيقَانَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا
تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (المائدة: ۸)
سَمِعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ
تَعْرَضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
(المائدة: ۴۲)

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا
بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ (الاعراف: ۲۹)

إِنَّ الدِّينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ
بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (آل عمران: ۲۱)

فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (الحجرات: ۹)
وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَّسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ (يونس: ۴۷)
وَيَقُومُ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَنْشِيَآءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي
الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (هود: ۸۵)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكُتُبَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.....
(الحديد: ۲۵)

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ
السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَآءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.
(بقره: ۱۷۷)

در آیه ۲۵ سوره حدید قسط و عدل را شالوده‌های رسالت رسول خدا و تمام رسولان خدا دانسته و گفته است: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

روش سید قطب سیاسی اجتماعی و عاطفی

سید قطب به عنوان عالمی که در مصر به مبارزه روی آورد و زندانی شد و سرانجام اعدام گشت، در تفسیر خود رویکرد سیاسی اجتماعی و عاطفی را بر گزید و از جمله در مقوله عدالت بر اشرافیت زمانه تاخت. بحث اصلی مقاله حاضر واکاوی مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه سید قطب است.

سید قطب

سید قطب ابراهیم الشاذلی (۹ اکتبر ۱۹۰۶ - ۲۹ اوت ۱۹۶۶) نویسنده، ادیب و نظریه‌پرداز اسلامی مصری، وابسته به جنبش اخوان المسلمین مصر و نویسنده تفسیر ظل القرآن بود. او در خانواده ای فقیر اما سرشناس به دنیا آمد. در بیشتر دوران اولیه زندگی خود معلم مدرسه بود. قطب در سال ۱۹۲۱ نزد عمویش که در آن زمان در برخی روزنامه‌های معروف مقاله می نوشت به قاهره نقل مکان کرد و در آنجا به مدرسه مدرسین پیوست و در سال ۱۹۲۸ قبل از اتمام تحصیلات خود در دانشکده ادبیات فارغ التحصیل شد.

شاید شهرت اصلی سید قطب مرهون کمکهای فکری فراوان او در زمینه مطالعات دینی و پیشنهادهای نظری او در مورد نهضت اسلامی باشد. با این وجود، تاریخ زندگی وی گواهی می‌دهد که او یکی از برجسته‌ترین نویسندگان و منتقدانی است که در نیمه اول قرن بیستم در مصر ظاهر شد. تحصیلات سید قطب در دانشکده دارالعلوم با تغییرات جهانی همزمان شد که به از بین رفتن اعتماد به دستاوردهای دموکراسی و لیبرالیسم غربی کمک زیادی کرده است. با توجه به دستورات اروپا بر کشورهای عربی از یک سو و اقدامات سرکوبگرانه آنها از سوی دیگر، جریانی نو در میان نویسندگان عرب حاکم شد و صاحبان این جریان تمایل داشتند میراث فرهنگی اسلامی خود را دوباره کاوش کنند تا چیزهای دیگری از آن بیابند. بنابراین در این دوره محمد حسین هیکل را می‌بینیم که کتاب «زندگی محمد» را می‌نویسد، احمد حسن الزیات مجله الرساله را منتشر می‌کند و طه حسین نیز دست به نگارش کتاب «علی و بنوهُ» می‌زند (حسین، ۱۳۴۰: ۳۷۶).

سید قطب بین سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۸ تنها به مقالات انتقادی بسنده نکرد، بلکه با برخی از نمادهای اصلی حیات فرهنگی مصر در آن زمان وارد نبردهای فرهنگی و ادبی بسیاری شد. از جمله مهمترین این نبردها، ایستادگی او با استادش عباس محمود العقاد در برابر گروه آپولو و حمله او به دکتر طه حسین پس از انتشار کتاب «آینده فرهنگ در مصر» بود که در آن رئیس ادبیات عرب صراحتاً خواستار در نظر گرفتن مصر به عنوان بخشی از جغرافیا، فرهنگ و تمدن مدیترانه شد و روشنفکران مصری باید به فرهنگ مدیترانه برگردند و به هر چیز دیگری پشت کنند، ایده‌هایی که قطب بعدها از طریق مقاله معروف خود با عنوان «نقد کتاب آینده فرهنگ در

مصر» به تفصیل به آن پاسخ داد .

ایستادن قطب در آن مرحله در کنار نویسنده ای سکولار مانند العکد در برابر نویسندگان اسلام گرا مانند الرافیعی، خشم کل جناح اسلامی را برانگیخت که اخوان المسلمین در خط مقدم آن بود. از این رو در آن مرحله نوشته‌های زیادی در نقد قطب وجود دارد (المولی، ۲۰۱۷: ۵۵-۵۷) .

وی در آغاز یک سکولاریست سرسخت بود اما به مرور زمان بسیاری از دیدگاه‌های اسلام گرایانه را پذیرفت. پس از مدت کوتاهی از تحصیل در ایالات متحده (۱۹۴۸-۱۹۵۰)، او به فساد در جامعه‌ی سکولار غربی معترض شد و در بازگشت به مصر به اخوان المسلمین پیوست. او ابتدا با رژیم انقلابی جمال عبدالناصر رابطه خوبی داشت اما (۱۹۵۴-۱۹۶۴) همراه با دیگر رهبران اخوان به اتهام توطئه زندانی شد. سال‌های زندان او پربارترین سال‌ها بود. رفتارهایی که با او انجام شد، او را متقاعد کرد که مصر، مانند غرب، فاسد است، و با تکیه بر آثار دانشمندان اولیه مسلمان مانند ابن تیمیه، استدلال کرد که بسیاری از جوامع مدرن مسلمان دچار ارتداد شده‌اند و بنابراین دیدگاهی جهادگرایانه را در پیش گرفت او که در سال ۱۹۶۴ از زندان آزاد شد اما به زودی دوباره دستگیر و به اتهام خیانت محاکمه و اعدام گردید (صلاح، ۱۹۹۴: ۳۷).

زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه سید قطب

با ظهور اندیشه‌های سوسیالیستی در دهه بیست قرن گذشته، متفکران اسلامی ناگزیر به پرداختن به موضوع اجتماعی شدند. رفاعه الطحطاوی به معضل عقب ماندگی در جهان اسلام پرداخت و به این نتیجه رسید که «عدالت» یکی از مهمترین دلایل پیشرفت است. دو مفهوم در اندیشه‌ی الطحطاوی بسیار برجسته بود: تأکید بر اقتدار دولت (برای اینکه دیدگاه‌هایش تهدیدی برای اقتدار موجود جلوه نکند) و آزادی شهروندان .

خیرالدین تونسلی نیز مانند او به صورت مکرر عدم وجود عدالت را گوشزد می‌کرد و بر ضرورت آن اصرار می‌ورزید، اما تونسلی مفهوم عدالت را به «عدالت سیاسی» و حقوقی را محدود کرد. به نظر می‌رسد منظور او از عدالت نیز بیشتر رعایت شرع باشد. علی مبارک یکی دیگر از متفکران مسلمان آغاز انحطاط اسلام را از دوره مأمون دانست. جمال الدین افغانی نیز از این برداشت از عدالت دور نبود. فقدان «عدالت و شورا» در روح مردم شرق ریشه دارد. دولت مشروع از نظر اسدآبادی در حالی شکل می‌گیرد که مردی نیرومند و «عادل» به گونه ای غیر از مسیر انحصارطلبی و اقتدار بر ملت حکومت کند.

شکست نظام سیاسی، نابرابری اقتصادی، همراه با مداخله بریتانیا در بسیاری از جنبه‌های زندگی سیاسی-اجتماعی مصر، سبب سرخوردگی مصریان از مشکلات موجود پیش روی کشورشان شد. در این شرایط تصور سید قطب از عدالت اجتماعی همه شئون زندگی معنوی و

مادی را در بر می‌گیرد و صرفاً محدود به عدالت اقتصادی نیست. سید قطب به همراه دیگر روشنفکران مصری مانند نجیب محفوظ، محمد غزالی و عمادالدین عبدالحمید، راه‌حل‌های جایگزینی را در قالب نوشته‌هایی از جمله کتاب‌ها و مقالات پیشنهاد کردند. عدالت اجتماعی یکی از مفاهیم بسیار برجسته در اندیشه سید قطب بود. وی تلاش کرد تا برای مشکلات اجتماعی مصر، راه‌حلهایی واقع‌گرایانه و منطبق با روح اسلام و شرایط معاصر بشری ارائه نماید.

نوشته‌های قطب را می‌توان به ادبیات، تعلیم و تربیت و اندیشه اجتماعی-اقتصادی و دینی-سیاسی تقسیم کرد. آثار او در زمینه ادبیات عمدتاً در دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ نوشته شده است. آثار قطب در زمینه تعلیم و تربیت عبارتند از قصص الدین (داستان‌های دینی) و الجدید فی اللغات العربیه (تازه‌ها در زبان عربی). اولین اثر اسلامی او به نام عدالت اجتماعی در اسلام، در سال ۱۹۴۸ منتشر شد. نبرد اسلام با سرمایه داری و اسلام و صلح جهانی در سال ۱۹۵۱ منتشر گردید. این آثار عمدتاً بر اسلام به عنوان راه حل مشکلات پیش روی جامعه مانند بی عدالتی اجتماعی، فساد و فئودالیسم تمرکز دارد. قطب در دوران زندان خود بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۴ میلادی توانست کتاب فی ظلال القرآن (در سایه قرآن) را همراه با سایر کتب اسلامی مانند «هذا الدین» به پایان برساند. در میان تمام آثار علمی او، فی ظلال القرآن پرفروش‌ترین اثر شد. در سال ۱۹۶۴ جنجالی‌ترین اثر او «معالم فی الطریق» منتشر شد. این کتاب یکی از مهم‌ترین عواملی بود که دو سال بعد قطب را اعدام کرد، زیرا گفته می‌شد محتوای آن مردم را به اقدام علیه دولت فعلی مصر تشویق می‌کرد. معالم فی الطریق کتابی بود که رژیم مصر از آن به عنوان مدرک اصلی در محاکمه سال ۱۹۶۶ با عنوان توطئه برای سرنگونی رژیم استفاده کرد. در ۲۹ اوت ۱۹۶۶، قطب به همراه دو تن دیگر از اعضای اخوان اعدام شد. اعدام آنها اخوان را برای چندین سال دچار انفعال نمود (ابو ربیع، ۱۹۸۴: ۱۰۴).

تعهد قطب به اسلام و عدالت اجتماعی در نتیجه عوامل متعددی پدیدار شد. خود قرآن و محیط پیرامونی که اندیشه سیاسی اجتماعی او را نسبت به اسلام شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد که قرآن تنها عاملی است که باعث شد قطب از آثار ادبی به مطالعه اسلام به عنوان یک سبک زندگی تغییر مسیر دهد. علاوه بر این، وضعیت اجتماعی و سیاسی مصر در طول دهه ۱۹۴۰، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، نیز به رئالیسم مذهبی او کمک کرده است. کشور به دوره خشونت فزاینده و هرج و مرج فرو رفته بود. به عنوان مثال، برخی از نویسندگان حتی با برجسته کردن بحث در مورد حقوق و نقش زنان در جامعه، و اینکه چگونه با موقعیت‌های اجتماعی آنها به صورت منفی برخورد می‌شود و تا حدودی در ادبیات به عنوان فردی کاملاً احساساتی، به ندرت پارسا و اغلب وسوسه کننده دیگران به گناه می‌شود، فراتر رفتند. بنابراین، این مقاله‌ها ماهیت عدالت اجتماعی را که توسط سید قطب، محقق برجسته مصری در دهه ۱۹۶۰ بیان شده، روشن

می‌کند. شکست نظام سیاسی، نابرابری اقتصادی، همراه با مداخله بریتانیا در بسیاری از جنبه‌های زندگی سیاسی-اجتماعی مصر، منجر به اصطلاح «سرخوردگی مصر» از مشکلات موجود پیش روی کشورشان شد. سید قطب به همراه دیگر روشنفکران مصری مانند نجیب محفوظ، محمد غزالی و عمادالدین عبدالحمید، راه‌حل‌های جایگزینی را در قالب نوشته‌هایی از جمله کتاب‌ها و مقالات مجلات پیشنهاد کرد. علاوه بر آن وی برخی راهکارهای اجتماعی به صورت عملی و واقع‌گرایانه و منطبق با روح اسلام و شرایط معاصر بشر ارائه داد (اصیراف، ۲۰۰۶: ۱۵۱).

عدالت اجتماعی در فی ظلال القرآن

سید قطب نماینده نسل جدید مفسرین مدرن اواسط قرن بیستم بود. بحث‌های او از بسیاری جهات، گرایش‌های مدرنی را که در جامعه وجود داشت، به نمایش گذاشت، به‌ویژه اینکه با قرآن باید به گونه‌ای رفتار شود که مناسب پیام جهانی آن باشد. مهمتر از آن، او تفسیر خود از قرآن را به جامعه بشری مدرن ربط داد و معتقد بود که کلام قرآن، اگر به درستی تحلیل شود، این توانایی را دارد که آگاهی انسان را بیدار کند. بنابراین مطالعات فلسفی و استدلال‌های فقهی مورد توجه او قرار نگرفت. به عنوان مثال، قطب در تفسیر آیه ۳ سوره مائده به وضوح بیان کرد که استدلال فقهی بخشی از رویکرد او در تفسیر قرآن نیست (سید قطب، ۱۴۱۲، ۲: ۸۳۶).

نکته حائز اهمیت این است که ۱۶ جزء اول تفسیر فی ظلال القرآن که قبل از زندانی شدن قطب در سال ۱۹۵۴ نوشته شده بود، زیبایی تصویر قرآن را مورد بحث قرار می‌داد. تا آن زمان تاکید زیادی بر شریعت و آموزه وجود نداشت. اما این امر پس از زندانی شدن وی، زمانی که قرآن به عنوان متنی پویا مورد مطالعه قرار گرفت، به تدریج تغییر کرد و او را به این نتیجه رساند که قرآن می‌تواند کل ساختار جامعه کنونی را تغییر دهد و برای مشکلات امت اسلامی و دنیای آن که دیگر اسلامی نبود، راه حل ارائه دهد (خلیدی، ۱۹۹۴: ۴۲-۴۴). او سه جلد آخر این تفسیر را بر اساس این رویکرد جدید استوار کرد.

هدف اصلی قطب از نوشتن تفسیر فی ظلال القرآن بازگرداندن مردم به قرآن از طریق ایجاد علاقه آنها به این کتاب بود. از این رو او مردم را تشویق کرد که قرآن را نه تنها برای به دست آوردن ثواب الهی، بلکه برای استفاده از پیام آن به عنوان منبع هدایت در مواجهه با چالش‌های عصر مدرن استفاده کنند. از نظر او، از دست دادن روح قرآن عامل اصلی بود که به شکاف گسترده‌ای بین مسلمانان زمان او و خود قرآن منجر شد. بنابراین تلاش تفسیر قطب برای نشان دادن اینکه چگونه قرآن راهنمای واقعی همه انسان‌ها و تنها سیستم مناسب برای زندگی آن‌ها در امور دنیوی و دینی به خوانندگان خود است. چنین هدایتی تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که پیام قرآنی به درستی مورد مطالعه قرار گیرد و به همان شیوه‌ای که در اوایل اسلام بود دنبال

شود. تجربه خود قطب در مطالعه قرآن باعث شد که او با زندگی در سایه آن احساس رضایت کند همانطور که در مقدمه تفسیر بیان می‌کند:

زندگی در سایه قرآن نعمت است، فقط کسانی که آن را چشیده باشند قدر آن را خواهند دانست. نعمتی است که نیروی حیات را افزایش می‌دهد، به زندگی برکت می‌بخشد و آن را پاکیزه می‌کند. ستایش از آن خداست؛ او به راستی مدتی مرا در سایه قرآن زنده کرد. من طعم لطفی را که قبلاً در زندگی‌ام نداشتم احساس کرده‌ام. من این لطف را چشیده‌ام که نیروی حیات را بالا می‌برد، برکت می‌دهد و پاکیزه می‌کند (سید قطب، ۱۴۱۲، ۱: ۱۱).

قطب چندین هدف دیگر را هنگام نوشتن تفسیر خود در نظر داشت (سید قطب، ۱۴۱۲، ۱: ۱۲-۱۴):

۱. تبیین نقش انسان به عنوان جانشین خداوند.

۲. آموزش اصول قرآنی به مسلمانان.

۳. ایجاد جامعه‌ای عادلانه و اخلاق مدار بر اساس قرآن.

۴. استقرار شریعت به عنوان اساس نظام اسلامی.

۵. افشای مغالطات تفکر مادی‌گرا

همانطور که قبلاً اشاره شد، تفسیر قطب از قرآن به عنوان تنها راهنمای واقعی جامعه بشری بر اساس تجربیات و مطالعات قرآنی خود او بود (سید قطب، ۱۴۱۲، ۱: ۱۴-۱۵). به نظر او، برای تبدیل آموزه‌های قرآنی به واقعیت جامعه بشری، سیاست و اقتصاد مستلزم ایجاد جامعه‌ای عادلانه و اخلاقی است که توسط قرآن اداره می‌شود. قطب درباره اولین جامعه اسلامی که در مدینه تأسیس شد، بحث مفصلی کرد. وی تأکید کرد که این جامعه‌ای است که باید به عنوان الگویی برای مسلمانان عصر مدرن اتخاذ شود. علاوه بر این، برداشت او از نزول قرآن، تأسیس چنین جامعه‌ای بود:

«این قرآن بر قلب پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - نازل شد تا بدین وسیله جامعه‌ای ایجاد کند، حکومتی پیدا کند، جامعه‌ای را سامان دهد» (سید قطب، ۱۴۱۲، ۸۷۵).

وی در تفسیر آیه ۵ سوره مائده می‌نویسد:

«هر گاه غریزه به فساد متمایل شود تلاش برای تبدیل رهنمودهای قرآن به هوی و هوس ظاهر می‌گردد و عدالت بشری درهاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد... و خداوند از بنی اسرائیل به مسلمانان در این باره روایت کرده است که آنان را از افتادن به مشکلات آنان بر حذر می‌دارد تا خلافت در زمین و امانتی که خداوند به آنها سپرده است از آنها سلب نشود. بنی اسرائیل گروهی از پیامبران را کشتند و به گروهی دروغ بستند» (سید قطب، ۱۴۱۲، ۱: ۸۹). در این‌جا مفهوم عدالت در اندیشه‌ی قطب، برابر پذیرفتن سخن حق از سوی پیامبران می‌باشد. از نظر او

تمرد از شریعت الهی به معنای حرکت کردن بر خلاف فطرت بشری است.

وی در تفسیر آیه ۲۷۹ سوره بقره نیز به عدالت اقتصادی می‌پردازد و می‌نویسد:

استرداد اصل سرمایه (نه کمتر و نه بیشتر) عدالتی است که در آن نه به طلبکار ظلم می‌شود و نه به بدهکار. در مورد سود پول، ابزارهای حلال و پاک دیگری نیز وجود دارد. به عنوان نمونه مشارکت در سود و زیان فعالیت‌های اقتصادی یکی از آنهاست (همان، ۱: ۳۳۲). بنابراین عدالت اقتصادی در اندیشه‌ی سید قطب فقط محدود به رابطه‌ی حکومت و مردم و توزیع متناسب بیت‌المال نیست بلکه وی عقیده دارد قرآن نه تنها در زمینه‌ی روابط دولت-ملت دارای آموزه‌های رهایی بخش است بلکه توصیه به عدالت میان روابط اجتماعی افراد با یکدیگر نیز شده است.

قطب عقیده دارد عدالت الهی با مفهوم اختیار، آزادی و مسئولیت‌پذیری انسان پیوند دارد. انسان مخاطب وحی الهی است. این وحی اگرچه بر قلب پیامبران نازل شده است اما خطاب آن به کلیه‌ی انسان‌هاست. همه پیامبران از خدا وحی دریافت کردند. صحبت موسی (ع) با خداوند یک نوع مکاشفه است که هیچ کس نمی‌داند چگونه انجام شده است. زیرا قرآن - که تنها منبع معتبری است که در صحت آن شکی نیست - چیزی در این زمینه برای ما توضیح نداده است. فقط می‌دانیم که صحبت بود. اما ماهیت او چیست؟ چطور بود؟ موسی با چه حس یا قدرتی آن را دریافت می‌کرد؟... همه اینها غیب که قرآن به ما نگفته است. پشت قرآن - در این بخش - جز افسانه‌هایی بی دلیل، چیزی نیست. با این حال عدل الهی اقتضا می‌کرد که خداوند رسولانش را بفرستد زیرا پیام او باید شنیده می‌شد تا آنچه را که خداوند برای مؤمنان مطیع از سعادت و خشنودی آماده کرده است، به آن‌ها بفرستد و آن‌ها را بیم دهد (سید قطب، ۱۴۱۲، ۲: ۸۰۵). از نظر سید قطب ثواب و عذاب الهی تنها در صورتی جاری خواهد بود که انسان آزاد وجود داشته باشد. وی در تفسیر آیه ۴۰ سوره نجم به بررسی رابطه‌ی عدالت الهی و مسئولیت‌پذیری انسان می‌پردازد و می‌نویسد: «اصل مسئولیت فردی نیز در کنار عدالت و مجازات الهی قرار گرفته است. انسان با توجه به اصل مسئولیت خویش به ارزش انسانی خود پی می‌برد. مبنای عدل الهی نیز این است که انسان موجودی بالغ، مسئولیت‌پذیر، امانت‌دار، سخاوتمندی فرض شود که به او فرصت فعالیت داده شده، سپس او را برای کاری که انجام داده است، مجازات می‌کنند یا ثواب می‌دهند» (سید قطب، ۱۴۱۲، ۶: ۳۴۱۵). توجه به این جملات نشان می‌دهد عدالت الهی و مسئولیت‌پذیری آزادانه‌ی انسان، دو مفهوم پیوسته با یکدیگر هستند؛ چنان‌چه انسان، آگاه نباشد و مسئولیت کارهای خود را نیز نداشته باشد نمی‌توان عدالت الهی را صحیح دانست. وی در این مورد در تفسیر آیه ۱۵ سوره جائیه به عادلانه بودن مجازات انسان مسئول پرداخته و می‌نویسد در عادلانه بودن مجازات و فردیت انسان آزاد و مسئول ابهام و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند (سید

قطب، ۱۴۱۲، ۵: (۳۲۲۱).

انسان مسئولیت‌پذیر است که می‌تواند عدالت اجتماعی را نیز بر پا کند. سید قطب این موضوع را با زیرکی و هوش خود از دل آیات الهی استخراج می‌نماید. وی در تفسیر آیه ۵۵ سوره قصص می‌نویسد: «این آیه ماهیت پیام الهی را در فرازهای کوتاه خود به این شیوه جامع، قاطع و دقیق آشکار می‌کند. این پیامی است که آمد تا به راه خود ادامه دهد، نه اینکه تحت تأثیر هوس‌های انسانی قرار گیرد. آمد تا در این سرزمین تسلط یابد و به عدالت دست پیدا کند. و آمد تا راه رسیدن به خدا را هموار سازد. از این رو هدف رسالت پیامبر برپایی عدالت اجتماعی است به گونه‌ای که انسان با آگاهی از فطرت عدالت‌جوی خود از یکسو و پذیرش مسئولیت اعمال و رفتار خود از سوی دیگر به برپایی عدالت اجتماعی در جامعه اقدام نمایند.

سید قطب یکی از اهداف بعثت رسول اکرم (ص) را ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع متناسب اموال می‌دانست: «و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - این دین را فرستاد و جامعه عرب بدترین جامعه در تقسیم مال و عدالت است. و بسیاری جز سختی و گرسنگی چیزی ندارند. در جاهلیت تنها اعتبار و شرف مخصوص صاحبان ثروت بود و توده‌های عظیم از آن محروم بودند. این امکان برای محمد - صلی الله علیه و آله - وجود داشت که عدالت اجتماعی را به عنوان یک پرچم اجتماعی به اهتزاز درآورد، آن را به عنوان جنگی علیه طبقه اشراف برافراشته و آن را به عنوان جنبشی با هدف اصلاح شرایط اقتصادی معرفی کند، جریان سود و سرمایه تا پیش از این از فقرا به اغنیاء بود اما در دوره‌ی پیامبر از اغنیاء به سمت فقرا حرکت کرد» (سید قطب، ۱۴۱۲، ۲: ۱۰۰۶-۱۰۰۷).

قطب عقیده داشت عدالت اجتماعی باید در جامعه از یک مفهوم اعتقادی جامع پدید آید که همه چیز به اراده‌ی الهی نسبت داده شود و آنچه را که خداوند در مورد عدالت توزیعی مقرر می‌دارد، با اراده و اختیار انسان پیاده‌سازی شود. این گونه است که انسان می‌تواند در عمل، مطابق خواست الهی بنای یک جامعه‌ی عادلانه را برقرار سازد. چنین نظامی مورد حمایت خداوند قرار خواهد گرفت. در این نظام «دل‌ها پر از حرص نیست، دل‌ها از نفرت آکنده نمی‌شود، و همه امور با شمشیر و زور و ارعاب و وحشت اداره نمی‌گردد، همه دل‌ها فاسد نمی‌شود و جان‌ها خفه نخواهد شد» (همان). بنابراین شعار اسلام که «لا اله الا الله» است تنها در این حالت تبدیل به ابژه می‌شود.

عدالت اجتماعی برای سید قطب یک ضرورت به شمار می‌رود. از نظر وی جهان، بحران عدالت دارد؛ در توزیع ضعیف و ناعادلانه است که ملت‌ها فقیر می‌شوند و جامعه را بدبختی، کینه، ترس، بحران و کودتا فرا می‌گیرد. با این که ثروت وجود دارد اما چون ناعادلانه توزیع شده فقر و مصیبت هم وجود دارد. از سوی دیگر اغنیاء و ثروتمندان مانع عدالت اجتماعی می‌شوند از این رو

سرکوب هم وجود دارد. عدالت یک ضرورت اجتماعی است و در صورت عدم وجود آن جامعه دچار انحطاط روانی و اخلاقی خواهد شد که به نوبه خود - دیر یا زود - به نابودی خود زندگی مادی منجر می‌شود (سید قطب، ۱۴۱۲، ۲: ۹۳۴).

عدالت توزیعی تا حدی در اندیشه‌ی سید قطب ریشه دارد که وی یکی از ویژگی‌های منافقان را قبول نداشتن عدالت پیامبر (ص) در تقسیم غنائم می‌داند. عدالت توزیعی در خوانش مدرن به دنبال این است که دولت تضمین کند دارایی و ثروت به گونه‌ای در کل جامعه توزیع می‌شود که همه از سطح مشخص و معقولی از امکانات مادی برخوردار باشند. این خوانش از عدالت به دنبال این است که چه مقدار از امکانات باید تضمین شود و برای توزیع این امکانات به چه میزان از دخالت دولت نیاز است. وی در تفسیر آیه ۵۸ سوره توبه با ذکر روایاتی از بزرگان اسلام به انتقاداتی که منافقین به پیامبر اسلام (ص) می‌کردند پرداخت: «در مورد علت نزول آیه روایات متعددی وارد شده است که حوادث خاصی را در مورد افراد خاصی بیان می‌کند که در توزیع عادلانه رسول صلی الله علیه و آله شهبه وارد کرده و به او ظلم کردند» (سید قطب، ۱۴۱۲، ۳: ۱۶۶۷).

از نظر سید قطب این نگاه که تنها آخرت باید هدف انسان مسلمان باشد مردود است و عقیده داشت این چنین نیست که تنها آخرت مطلوب باشد... هیچ منافاتی بین مطلوب اخروی و برخورداری از دنیا نیست. کسانی که دل‌های خود را به آخرت معطوف می‌کنند، لذت زندگی دنیوی را از دست نمی‌دهند زیرا آخرت نیکو در اسلام مستلزم دنیای نیکوست (سید قطب، ۱۴۱۲، ۴: ۲۰۸۶). ایمان به خدا مستلزم جانشینی نیکوی او بر روی زمین است. و جانشینی نیکو در زمین آن است که از آن به درستی استفاده شود و انسان بتواند از خوبی‌هایش لذت ببرد. در اسلام هیچ تناقضی میان زندگی خوب و آخرت نیکو وجود ندارد، بلکه هدف اسلام بازسازی زندگی با حق و عدالت و راستی توأم با رضای الهی و آمادگی برای آخرت است.

سید قطب می‌گوید «کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند، با انحصار نعمت‌های زمین و سوده‌های ناروا و بهره‌کشی و فریب دادن و به بردگی گرفتن مردم نمی‌توانند به اهداف خود برسند، آن‌ها به دنبال راه کژی می‌روند که تهی از صداقت و عدالت می‌باشد. و هنگامی که موفق شدند خود و دیگران را از راه خدا بازدارند و از حقانیت راه او و عدل آن خلاص شوند، تنها آنان قدرت ظلم و ستمگری و فریب دادن و فریب دادن را دارند. مردم را به فساد و سوسه می‌کنند تا از انحصار نعمت‌های زمین و کسب حرام و برخورداری ناپسند و غرور در زمین و پرستش مردم بدون مقاومت و نکوهش به آنچه می‌خواهند دست یابند» (همان، ۴: ۲۰۸۷). سید قطب در این سخنان خود نیز لزوم توزیع عادلانه‌ی اموال عمومی و منافع مادی در سطح جهان را مصداقی از عدالت می‌داند. وی در کتاب تفسیر خود از تعریف فلسفی از عدالت احتراز

می‌کند و سعی دارد عدالت را در لوای قرآن و به صورت مصداقی تبیین نماید. از این منظر عدالت اجتماعی یعنی توزیع عادلانه‌ی اموال که یکی از بزرگترین اهداف بعثت پیامبر (ص) در اصلاح امور جهان به سود ضعفا بوده است.

اما در این زمان که جهان از وجود پررحمت نبی اکرم (ص) بی‌بهره است چگونه می‌توان عدالت اجتماعی را برقرار نمود؟ سید قطب در مواجهه با چنین شرایطی تشکیل یک حکومت اسلامی را که به شکل رادیکال به پیاده‌سازی عدالت اجتماعی می‌پردازد پیشنهاد می‌کند. از نظر سید قطب اساساً یک حکومت اسلامی وظیفه دارد عدالت را اجرا نماید و از آن منحرف نشود.

در مورد حکمرانی عادلانه در میان «مردم»، قرآن عدالت جامع «در میان همه مردم» را پیشنهاد داده است. در قرآن رعایت عدالت تنها مخصوص مسلمانان نیست بلکه به اجرای عدالت برای اهل کتاب نیز سفارش شده است. در اسلام هیچ کس بر دیگری برتر نیست سیاه با سفید و عرب با عجم برابر است بنابراین عدالت تنها به مسلمانان اختصاص ندارد و ارزش امت اسلام در حکومت میان مردم به عدل است، این عدالتی که بشریت هرگز نشناخته است - به این شکل - مگر به دست اسلام، یا در حکومت مسلمین، یا در عصر رهبری اسلامی برای بشریت قابل دسترس است؛ جهان هرگز طعم آن را نچشیده است، آن هم با چنین تصویر سخاوتمندانه‌ای که برای همه مردم یکسان باشد (سید قطب، ۱۴۱۲، ۲: ۶۸۹).

او در شرح «ناس» به اهمیت برابری در میان مردم و ضرورت برپایی عدالت یکسان برای همه تأکید می‌کند. او «ناس» را عامه‌ی مردم تفسیر می‌کند و بیان می‌نماید: «ناس همان مردم هستند هیچ صفت دیگری غیر از این اصل وجود ندارد که «ناس» در آن سهیم باشند! این اساس حکومت داری در اسلام است» (سید قطب، ۱۴۱۲، ۲: ۶۸۹). سید قطب حتی عدالت اجتماعی را مصداق پیمان خداوند با انسان می‌داند: «ولایت انسان با عدل.. عدالت مطلق که نه به احساسات شدید تمایل داشته باشد نه به نفرت» (همان، ۲، ۸۵۱-۸۵۲).

نتیجه گیری

سید قطب ایدئولوگ و مفسر مسلمان مصری در دورانی که اندیشمندان اسلامی در تلاش برای احیای جامعه اسلامی بر پایه‌ی آموزه‌های اسلامی بودند مفهوم عدالت اجتماعی را به عنوان یک ضرورت مطرح کرد به گونه‌ای که آثار ویژه‌ای در این زمینه به رشته‌ی تحریر درآورد. در پژوهش حاضر که مفهوم عدالت اجتماعی در تفسیر فی ظلال مورد واکاوی قرار گرفت، سید قطب در زمانه‌ای که جامعه مصر بدلیل شکست نظام سیاسی، نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دخالت استعمارگران دچار نوعی سرخوردگی بود هدف خود را از نوشتن چنین اثری بازگرداندن مردم به قرآن و تشکیل جامعه‌ای عادلانه و اخلاقی براساس دستورات قرآن بعنوان الگو برای مسلمانان عصر مدرن بیان می‌کند. مفهوم عدالت اجتماعی از نظر وی ضرورتی بود برای جهانی که عدالت در آن وجود نداشت از این رو با استناد به آیات قرآن که در متن مقاله به عنوان نمونه ذکر گردید راه تحقق عدالت را در برپایی جامعه‌ای اسلامی می‌داند که صرفاً محدود به اجرای ظواهر شریعت نباشد بلکه این جامعه از یک مفهوم اعتقادی جامع برای تحقق عدالت بهره گیرد. جامعه‌ای اخلاقی بر پایه‌ی دستورات قرآنی که در این هدف مهم عدالت اقتصادی، توزیعی، عدالت میان روابط اجتماعی افراد و همچنین مسئولیت‌پذیری انسان برای اجرای قسط و عدل ضروری می‌نماید بویژه در توزیع عادلانه اموال که از مهمترین اهداف بعثت پیامبران از اصلاح امور جهان به سود ضعفاست و حکمرانی عادلانه بین تمام مردم نه صرفاً مسلمانان، تحقق این عدالت از نظر وی جز با برپایی حکومت بر پایه‌ی دستورات قرآن میسر نخواهد شد و راه عدم تحقق آن عدول از حاکمیت الهی و میل به فساد است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

نهج البلاغه، امام علی ابن ابی طالب (ع).

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳)، عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، قم: مؤسسه سیدالشهداء(ع)
۲. ابن تیمیة، أحمد عبد الحلیم الحرانی (۱۳۹۲)، بیان تلبیس الجهمیة فی تأسیس بدعهم الکلامیة، تحقیق: محمد بن عبد الرحمن بن قاسم، الناشر: مطبعة الحكومة - مكة المكرمة الطبعة الأولى.
۳. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰)، الطبقات الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون
۴. ابن عباس، عبدالله (۱۴۲۵)، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، ینسب: لعبد الله بن عباس - رضی الله عنهما - (المتوفی: ۶۸هـ) جمعه: مجد الدین أبو طاهر محمد بن یعقوب الفیروزآبادی (المتوفی: ۸۱۷هـ)، لبنان: دار الکتب العلمیة .
۵. مجد الدین أبو طاهر محمد بن یعقوب الفیروزآبادی (المتوفی: ۸۱۷هـ)، لبنان: دار الکتب العلمیة.
۶. ابوریة، محمود (۱۳۸۹)، اضواء علی السنه المحمدیه، او، دفاع عن الحدیث، قم: انصاریان.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۵)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.
۸. جهانگیری، محسن (۱۳۵۹)، محیی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۹. حسین، طه (۱۳۴۰)، علی و بنوه، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ.
۱۰. حویزی، عبد علی (۱۳۸۳)، تفسیر نورالثقلین، قم: مطبعه العلمیة.
۱۱. ذهبی، محمد السید حسین (۱۳۷۷) التفسیر والمفسرون، القاهرة: مکتبه وهیة.
۱۲. سید قطب (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، الطبعة: السابعة عشر، القاهرة: دار الشروق.
۱۳. سید قطب (۲۰۰۶)، العدالة الاجتماعية فی الاسلام، مصر: مکتبه النور.
۱۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، ترجمه الإیتقان فی علوم القرآن، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران امیرکبیر ۱۳۶۳، ج ۲.
۱۵. شریف، محمد ابراهیم (۱۴۰۲)، اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، ج ۱، قاهره
۱۶. شیخ مفید (۱۴۱۴)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: دارالمفید.
۱۷. صدر، محمد باقر (۱۳۹۷)، اقتصاد ما، تهران: دارالصدر.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

۱۹. طبرسي، ابى على الفضل بن الحسن (۱۳۹۰)، تفسير مجمع البيان - تهران: كتابفروشى اسلاميه.
۲۰. طوسى، ابوجعفر محمدبن حسن (بى تا)، التبيان فى تفسير القرآن، تحقيق و تصحيح احمد حبيب قصير العالمى، نجف: مكتبه الامين.
۲۱. فهد بن عبدالرحمان رومى (۱۴۰۷)، منهج المدرسة العقلية الحديثة فى التفسير، ج ۱، بيروت
۲۲. كلينى، محمد بن يعقوب (۱۳۹۳)، اصول كافى، قم: دارالتقليين
۲۳. المولى، سعود (۲۰۱۷)، الاخوان و سيد القطب، قاهرة: دارالمشرف.
۲۴. نيشابورى، قتال (۱۴۲۳)، روضه الواعظين، تهران « دليل ما.
۲۵. واحدى، على بن احمد (۱۳۸۳)، اسباب النزول واحدى (ترجمه ذكاوتى)، چاپ اول، تهران: نشر نى.
۲۶. هادوى تهرانى، مهدى (۱۳۷۸)، مكتب و نظام اقتصادى اسلام، تهران: خانه خرد.
27. Abu Rabi "Sayyid Qutb: From Religious Realism to Radical Social Criticism," in Islamic Quarterly, 28, 1984, 103-113.
28. Asyraf, Ab. Rahman, (2006) The nature and practices of social justice in the view of Sayyid Qutb. Jurnal Pembangunan Sosial, 9. pp. 151-164. ISSN 1394-6528
29. Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2023, February 28). Sayyid Qutb. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/biography/Sayyid-Qutb>
30. Khälidi, Salah cAbd al-Fattäh, S'ayyid Qutb: Min al-Miläd ilä'l-Istishhdd, Damascus: Dar al-Qalam, 1994.
31. Saläh, Shädl, al-Shah7di7ni: Hasan al-Banna tiva Sayyid Qulb, Mansura: Dar al Wafä', 1994.

